

دروطن کي حکومت مي ڪند؟؟؟

{ارگ وادارات امنيتي ويا پاڪستان وشبکه تروريستي حقاني ???}

نويسنده - (استاد صباح)



هيچ جنگي غير انساني تر، ننگ آورتروبي شرمانه تر از جنگ هاي متعصبانه ي مذهبي وتنفر آورتروبي وقبيله يي که در داخل يك کشور برافروخته مي شود، نيست.

از خاک وطن نمانده جزويراني

پس کوجاست، غيرت افغاني؟؟؟

برخيزوطن راخون وآتش گرفت

مردم همه درخون اند ، نميداني؟؟؟

درافغانستان غني ومسولين امنيتي وياپاڪستان وشبکه حقاني ، کدام فرمان مي راند؟؟؟

درشهر بخون ترهرروزانتحار، انفجار، ترور وآدم کشي جريان دارد وتروريستان هرمنطقه ي راکه خواسته باشد امواج حملات ، به دلخواه خويش قرارمي دهد . دروغ گوي مشهورومعروف ارگ (حسين مرتضوي) ولافوک هاي ديگر به مثابه سخنگويان نيروهاي مسلح ، به اساس هدايت دومين مغزمتفکرکره زمين (غني احمدزي) و (وزيردفاع ، داخله وامنيت ملي) بدون درنگ وبا تفکر د داعش گونه (همانگونه که داعش بدون مقدمه هرحادثه خونين را کارخويش مي دانند) هر حمله انتحاري را به شبکه حقاني وپاڪستان نسبت مي دهند. اينکه اين دومرجع درحوادث دردناک وويرانگرکشورما نقش دارد جاي سخني نيست واما سوال اينجاست وبايد اين چهارنفرمسولين وسخنگويان بگويند که زمامدارکشورکيست؟ حکومت افغانستان ، پاڪستان ويا شبکه تروريستي حقاني؟؟؟

وظيفه حکومت ومسولين چيست؟ تامين امنيت مردم ، جلوگيري از حملات دشمن ، تطبيق کننده قانون وعدالت ملي وظيفه چه کسي است؟؟؟

اگر دشمن مطابق میل و خواستش هر چه که بخواهد انجام می دهد و پس زمامداران بگویند که در کابل و شهرهای دیگر وطن، پاکستان و شبکه تروریستی حقانی حاکم است؟؟؟

و مافقت غرض خوش خدمتی به خارجی و براساس لزوم دیدی خارجی ها در گوشه ی ذلت حضور داریم تا مردم خود در مقابل تروریزم چاره بی اندیشند .

حملات انتحاری و انفجاری و تروریستی شهر کابل و باشندگان این شهر را در غم فرو برد و در خانه ی آنها گلیم غم گسترانید. در کابل در حقیقت خورشید هر روز با رنگ خونین طلوع می نماید.

مردم افغانستان و بخصوص مردم کابل که همواره زخم دیده اند و رنج کشیده اند از ادامه چنین وضعی به شدت ناراضی بوده و به جان آمده اند. آنان دیگر توان تحمل دادن قربانی های بی شمار را ندارند. از جانب دیگر وضعیت انفعالی و ناتوانی حکومت در تامین امنیت شهروندان و حتا عدم احساس مسئولیت لازم از سوی آنان بیش از هر چیزی مردم را خسته و عصبانی ساخته است.

مردم خود شاهد هستند که حکومت به جای سروسامان دادن به وضعیت کلی کشور فقط به فکر تقسیم چوکی ها و منصب ها بر اساس سهمیه های شخصی و جناحی هستند. مردم به روشنی می بینند که غنی و عبدالله چگونه در پی هم و در کمین هم هستند تا با استفاده از غیبت و سفر یکدیگر امتیازها و موقعیت ها را به سود خویش تغییر جهت دهند! به هر روی واکنش خنثا و بی اثر مسولین حکومتی در ارتباط با پرسش های مطرح شده در ذهن مردم و نیز در ارتباط با تامین امنیت و پیداکردن عامل یا عاملین آن به رجز خوانی ها و شعارهای میان تهی بدل شده است که هیچگونه توجیه عقلانی و مدیریتی ندارد. بلکه بیش از پیش وضعیت آشفته و نگران کننده کنونی را به نمایش میگذارد. زیرا از یک سوی مسولین وقوع این روی دادها را به مانور جنگی و قدرت نمایی طالبان پس از مرگ ملا عمر نسبت می دهند. در همان حال بخش دیگر از مقام ها این کشتارها به کارکرد و دسیسه پاکستانی ها نسبت می دهند.

نمی توان تردید داشت که در این وقایع خونین سازمان های استخباراتی بیگانه هم دست دارند که از طریق مخالفین مسلح و گروه ها و اشخاص ه سعی دارند به هر قیمت ممکن ناامنی و خشونت را در کشور دامن بزنند. دشمنان صلح و ترقی افغانستان هرگز نمی خواهند که مردم ما پس از سال ها بحران اینک روی خوش از زندگی خویش ببینند. نهادهای امنیتی در این ارتباط مسئولیت جدی دارند که برای خنثا ساختن دسیسه های آن ها مسئولانه و قاطع برخورد نمایند. آنان نمی توانند که سرنوشت مردم و کشور را به همین سادگی بدست حوادث سپرده و خود مشغول تقسیم قدرت و منصب باشند. اگر آسمان مردم ما برای همیشه خون گرفت و خورشیدش تارگردد، مسولین حکومتی باید بدانند که روزگار آنان هم به تیرگی کشانیده خواهد شد.